



## تقریرات تاریخ حقوق کیفری

دوره کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی

استاد: دکتر بهروز جوانمرد

تنظیم: فاطمه نامجو

نیمسال دوم ۹۳-۹۴

## مقدمه

شناخت هر ملتی با مطالعه تاریخ آن ملت میسر است و استمرار هر جامعه‌ای با پذیرش قواعدی که قانون نامیده می‌شود امکان‌پذیر می‌باشد. در میان رشته‌های گوناگون تاریخ، تاریخ حقوق اهمیت خاصی دارد تاریخی که زندگی قضایی ملتی را نشان دهد درجه اول اهمیت را دارد. در این نیم‌سال ابتدا در مورد جایگاه و اهمیت تاریخ حقوق کیفری مطالبی بیان می‌شود (مبحث اول) سپس در ۴ مبحث دیگر تاریخ حقوق کیفری بین‌النهرین، حقوق کیفری شریعت یهود، حقوق کیفری ایران باستان و به نحو مختصر تاریخ حقوق کیفری در اروپا مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### مبحث اول : مفهوم شناسی، جایگاه و اهمیت تاریخ حقوق کیفری

#### گفتار اول - جایگاه تاریخ حقوق کیفری در علوم جنایی

علوم جنایی در یک تقسیم بندی کلی به علوم جنایی حقوقی و علوم جنایی تجربی و علوم جنایی بینابین تقسیم می‌شود. علوم جنایی حقوقی به صورت مجرد و انتزاعی رفتار مجرمانه را تجزیه و تحلیل می‌کند. خود علوم جنایی حقوقی به دو شاخه اصلی و تکمیلی تقسیم می‌شود.

علوم جنایی حقوقی اصلی شامل ۱- به حقوق جزای عمومی و اختصاصی و ۲- آ. د. ک. است.

در شاخه تکمیلی حقوق کیفری تخصصی‌تر می‌شود مثل حقوق کیفری سایبری - حقوق کیفری محیط زیست. علاوه بر حقوق کیفری فنی سه رشته دیگر نیز به عنوان علوم جنایی حقوق تکمیلی مطرح شده است :

۱- حقوق کیفری بین‌الملل

۲- حقوق کیفری تطبیقی

۳- تاریخ حقوق کیفری

علوم جنایی تجربی نیز به علوم جنایی اثباتی و علوم جنایی تفسیری تقسیم می‌شود که علوم جنایی اثباتی به ۱- پلیس علمی ۲- پزشکی قانونی ۳- روان شناسی جنایی

و علوم جنایی تفسیری به ۱- کیفری شناسی ۲- جامعه شناسی ۳- جرم شناسی تقسیم می‌شود.

علوم جنایی بینابین به ۱- فلسفه کیفری و ۲- سیاست جنایی تقسیم می‌شود.

## علوم جنایی تجربی:

علوم جنایی تجربی با یک نگاه فراحقوقی و غیر انتزاعی و با استفاده از علوم دیگر مثل پزشکی - روانشناسی - آمار و ... به اثبات، توصیف و تحلیل جرم می‌پردازد. برخی از آنها در مقام اثبات جرم اند. برخی در مقام تحلیل چرایی جرم‌اند پس علوم جنایی تجربی نیز به دو دسته تقسیم می‌شود:

- ۱- علوم جنایی اثباتی: پلیس علمی - پزشکی قانونی - روانشناسی جنایی
- ۲- علوم جنایی تفسیری: کیفر شناسی - جامعه شناسی جنایی - جرم شناسی

## علوم جنایی بینابین:

این علوم بین فلسفه و مباحث مجرد و انتزاعی و تصمیم‌گیری‌های کلان مربوط به پدیده مجرمانه در نوسان است پس هم رویکرد حقوقی محض دارد و هم رویکرد حقوقی دارد. در علوم جنایی بینابین آنچه بیشتر به چشم می‌خورد فلسفه کیفری و سیاست جنایی است.

## سیاست جنایی:

تمام پاسخ‌های دولتی و غیر دولتی که به صورت کنش و واکنش در مقام پاسخ‌گویی به انحرافات و جرایم بر می‌آید. در برابر این اصطلاح سیاست کیفری را داریم.

سیاست کیفری یک معنای مضیق از جنایی است یعنی:

اولاً: پاسخ‌ها دولتی است

ثانیاً: این پاسخ‌ها فقط برای جرایم است

ثالثاً: این پاسخ‌ها کنشی است و نه واکنشی

## گفتار دوم - از تاریخ حقوق کیفری تا تاریخ تحولات حقوق کیفری

تاریخ تحولات کیفری اعم از تاریخ حقوق کیفری است به این معنا که در تاریخ تحولات علاوه بر تاریخ باستان، دوران معاصر نیز مورد مطالعه قرار می‌گیرد اما در تاریخ حقوق کیفری به طور مشخص در خصوص حقوق کیفری بین‌النهرین شامل ۵ قانون اورنمو ۲۱۰۰ ق.م - لیپیت اشتار ۱۹۳۰ ق.م - اشنونا ۱۷۷۰ ق.م - هیتی‌ها ۱۶۰۰ ق.م و حمورابی ۱۷۵۰ ق.م) بحث می‌شود.

دو اصطلاح علوم کیفری و علوم جنایی در ظاهر یک معنا دارند اما وقتی صحبت از علوم جنایی می‌شود شاخه‌های مختلفی از حقوق کیفری و جرم‌شناسی مطرح می‌شود. عمر علوم جنایی حدود بیش از ۴۰۰۰ سال است (از روم باستان تا دوران سزار بکاریا) مرکز ثقل حقوق جزا رفتار بزهکاران است. در این دوران تا قبل از آنکه بحث تناسب بین جرم و مجازات مطرح شود توجهی به خصوصیات فردی و اجتماعی نمی‌شد بلکه ماهیت و شدت رفتار مجرمانه معیار اصلی مجازات دهی بوده است. بعدها آقای سزار بکاریا، لمبروزو و همفکرانشان در مکتب تحقیقی این تئوری را مطرح کردند که علاوه بر ماهیت رفتار مجرمانه، خصوصیات فردی بزهکار نیز باید مورد توجه قرار گیرد و به این ترتیب بحث فردی کردن مجازات‌ها مطرح شد. تاریخ حقوق کیفری در نمودار علوم جنایی یکی از شاخه‌های علوم جنایی حقوقی تکمیلی است. در این شاخه رشته حقوق کیفری در اعصار گذشته بررسی می‌شود. یعنی آداب، سنن کیفری حاکم بر جامعه است، و مشخص می‌شود نظام‌های حقوقی باستان بر چه مبنا و رویکردی به پدیده مجرمانه توجه می‌شد.

چه هنجارهایی از گذشته تا به حال دارای ارزش بنیادی است. مثلاً قتل از زمان حضرت آدم (ع) جرم انگاری شده و در زمان حال نیز در همه نظام‌های حقوقی مذهبی، لائیک و غیر مذهبی در قوانین کیفری آمده است. به این نوع جرایم فطری می‌گویند. در مقابل برخی جرم انگاری‌ها متأثر از متغیر زمان و مکان است مثلاً شرب خمر در کشورهای با نظام‌های حقوقی مذهبی جرم انگاری شده اما در کشورهایی که قانون اساسی لائیک دارند شرب خمر جز در موارد رانندگی ممنوعیتی برای افراد بالای ۱۸ سال ندارد.

مطالعات مربوط به تاریخ حقوق کیفری از ۲۱۰۰ قبل از میلاد مسیح آغاز می‌شود و انتهای آن به دوران سزار بکاریا یعنی ۱۷۶۰ میلادی می‌رسد. بکاریا پایه گذار تاریخ حقوق کیفری مدرن بود که در انقلاب فرانسه در ۱۷۸۹ جلوه گر شد.

وقتی صحبت از حقوق کیفری مدرن می‌شود جنبه تفاوت مشخص می‌شود.

### **گفتار سوم - تفاوت‌های نظام حقوقی باستان و مدرن:**

- ۱- در نظام حقوقی مدرن شکل و ماهیت از هم تفکیک می‌شوند.
- ۲- در نظام حقوقی مدرن جرایم دسته بندی شده‌اند مثلاً علیه اشخاص - علیه اموال - علیه امنیت
- ۳- در نظام حقوقی مدرن همواره بخش کلیات در قوانین وجود دارد و جرم تعریف شده است اما در قوانین باستان بیشتر جرم انگاری مصداقی صورت گرفته است.

- ۴- در نظام حقوقی مدرن قانون مجازات به عنوان قانون عادی الهام گرفته شده از قانون اساسی
- ۵- در نظام حقوقی مدرن تضمین‌های حقوق بشری برای طرفین دعوا پیش بینی شده است مثل داشتن حق وکیل - داشتن مترجم و...
- ۶- در نظام حقوقی مدرن قوانین بر اساس رشته های مختلف تقسیم بندی شده‌اند. قانون تجارت- قانون مدنی و ق.م.ا. و.. اما نظام حقوقی باستان در یک قانون همه شاخه‌های حقوقی مثل خانواده - تجارت و کیفری پیش بینی شده است.
- ۷- در نظام حقوقی مدرن اصول و مبانی کلی حقوق جزا تحت عنوان حقوق جزای عمومی مشاهده می‌شود مثل اصل قانونی بودن جرم و مجازات- اصل تساوی افراد در برابر قانون - اصل فردی بودن مجازات‌ها- اما در حقوق کیفری باستان چیزی تحت عنوان اصول حاکم بر حقوق کیفری مشاهده نمی‌شود .

### گفتار چهارم - اهمیت مطالعه تاریخ حقوق کیفری:

با مطالعه تاریخ حقوق کیفری با واقعیات حقوق کیفری دوران باستان آشنا می شویم از جمله نحوه مجازات کردن، تحول مجازات‌ها تا به امروز، ویژگی های قضاوت کیفری، ادله ثبات دعوا و اینکه چه رویکردی بر نظام کیفری حاکم بوده، یعنی سزا گرا بوده یا فایده گرا، وضعیت مسئولیت کیفری به چه ترتیبی بوده، کیفیات مخففه و مشدده چه جایگاهی داشته و نهایتاً ترتیبات رسیدگی به پرونده کیفری یعنی آیین دادرسی کیفری از چه نظامی تبعیت می کرده است.

### مبحث دوم - تاریخ حقوق کیفری بین النهرین

اولین تمدن در تاریخ حقوق کیفری مربوط به منطقه بین النهرین بوده است. سه قانون اورنمو-اشنونا و لیپیت اشتار مربوط به دوره سومری ها در تاریخ حقوق کیفری نقطه عطف تاریخ حقوق کیفری به شمار می آید. محلی که قوم سومر زندگی می کردند کشور عراق امروزی است که کهن ترین قانون نوشته بشر در این منطقه پیدا شده است این قانون که ۳۷ بند دارد مربوط به ۲۱۰۰ قبل از میلاد مسیح است.

قوم سومر بازرگان بودند و اورنمو فرمانروای آن دوران بود وقتی مقدمه این قانون بررسی می شود از متن مواد متوجه می‌شویم که نویسندگان قانون به دنبال اجرای عدالت بودند یعنی مبنای تفکر قانون نویسی در آن زمان عدالت گرایی بوده نکته قابل توجه این است که انسان آن زمان برخلاف انسان امروزی که به صورت مجرد و انتزاعی می تواند قاعده وضع کند

امکان وضع قانون را به صورت مجرد نداشته بلکه وقایعی که پیرامونش اتفاق می افتاده را در قانون وارد می کرده. علاوه بر این عرف هایی که در آن جامعه مطرح بوده در قوانین وارد می شده. اما سوال اینجاست که چرا قوم سومر اولین قانون را نوشته است؟ پاسخ این است که سر منشأ تمدن جدید انسان در منطقه بین النهرین است و خط که ۳۰۰ سال قبل از میلاد مسیح اختراع شده بود وسیله ای شد برای ثبت و حفظ وقایع و اندیشه ها و تجزیه تحلیل وقایع. این اختراع سبک زندگی اجتماعی را نیز متحول کرد به طوری که کسانی که هنر خواندن و نوشتن داشتند تجزیه و تحلیل آنها نیز نسبت به سایرین از عقلانیت بیشتری برخوردار بود. اصول حاکم بر حقوق کیفری آن دوران با حقوق کیفری زمان حال شباهت هایی دارد از جمله برابری شهروندان آزاد در برابر قانون در قانون اورنمو. در عین حال نظام برده داری رایج بوده و جامعه طبقاتی بوده این دسته بندی اجتماعی در حقوق کیفری آن زمان نیز تأثیر گذاشته بود به همین دلیل اصل برابری و مساوات که امروزه جزء اصول حاکم بر حقوق کیفری است در جامعه آن زمان سومر وجود نداشته است.

### **گفتار اول - ویژگی های قانون نامه های منطقه بین النهرین در دوران باستان**

**عدم پذیرش اصل برائت:** امروزه گفته می شود از ابتدای فرآیند دادرسی تا پایان مرحله تجدید نظر و فرجام شهروندان در زیر چتر حمایتی اصل یا فرض برائت قرار دارند. قبول این اصل آثاری را نیز می طلبد از جمله دو درجه ای بودن دادرسی-حق داشتن وکیل-حق اعتراض به آراء-البته در برخی جرائم مثل جرایم سازمان یافته فراملی یا جرائم تروریستی یا پولشویی یا قاچاق مواد مخدر یا کالا و ارز و... اماره مجرمیت جایگزین اصل برائت شده است. یعنی مجرم یا متهم باید ثابت کند که مرتکب رفتار مجرمانه نشده است.

آیا اصل برائت در دوره سومریان حاکم بوده یا خیر؟ با مطالعه مثلاً قانون اورنمو متوجه می شویم که اصل برائت در آن زمان حاکم نبوده و اگر به فردی اتهامی زده می شد او با توسل به اوردالی یا امتحان الهی یا آزمایش ایزدی باید بیگناهی خود را ثابت می کرد. به موجب اصل قانونی بودن جرم و مجازات و در پرتو این اصل هیچ رفتاری جرم نیست مگر اینکه از نظر قانون جرم باشد. این اصل آثار و پیامدهایی نیز به دنبال دارد از جمله غیر قانونی بودن بازداشت سرخود افراد، عطف به ماسبق نشدن قوانین کیفری، اصل تفسیر مضیق قوانین جزائی-قاعده تفسیر به نفع متهم در مقام شک-اما وقتی قانون اورنمو را مطالعه می کنیم می بینیم که جرم انگاری رفتارها براساس سنت، عادت و عرف شکل می گرفته و عرف حاکم قالب های رفتاری را تنظیم می کرده برای همین از مشابهت های رفتاری و قیاس استفاده های زیادی می شده یعنی از

رفتارهای مشابه که جرم انگاری نشده بودند استفاده می کردند و به قیاس متوسل می شدند و بر این اساس مجازات‌دهی می کردند.

در حقوق کیفری ایران در حال حاضر نیز در آیین نامه دادسرا و دادگاه ویژه روحانیت بحث قیاس برای مجازات دهی مطرح است. به موجب تبصره ماده ۱۸ این آیین نامه اعمالی که عرفاً موجب هتک حیثیت روحانیت و انقلاب اسلامی باشد، برای روحانیون جرم تلقی می شود. همچنین مطابق تبصره ماده ۴۲ همین آیین نامه «در موارد استثنائی و مواردی که در شرع و قانون مجازات مشخصی تعیین نگردیده، حاکم می تواند مستدلاً بر اساس نظر خود اقدام به صدور حکم نماید.»

**جمعی بودن مسئولیت کیفری:** اصل شخصی بودن ناظر بر افراد دخیل در رفتار مجرمانه یعنی مباشر-شریک و معاون- استثنائات وارد بر این اصل: ۱- مسئولیت ناشی از فعل غیر باشد. ۲- مسئولیت عاقله در خطای محض است اما در دوره باستان اصل جمعی بودن مسئولیت کیفری حاکم بوده است. به این معنا که هرگاه یکی از اعضای قبیله جرمی مرتکب میشد و به حقوق فردی از قبیله دیگر تجاوز میکرد و تمام اعضای قبیله متجاوز مسؤول شناخته شده، در معرض انتقام جویی قرار می گرفتند و بدین ترتیب جنگ‌های بی رحمانه و نزاع‌های دسته جمعی بی پایان در این قبایل بروز میکرد و گسترده میشد. از آن جا که هیچ گاه فرد شخصیت متفاوتی از خانواده یا قوم و قبیله خویش نداشت و جزئی از کل محسوب میگردید، مسئولیت جمعی، اصلی پذیرفته شده بود.

**عینی بودن مسئولیت کیفری:** خصیصه مهم دیگر مسئولیت کیفری این دوره، موضوعی بودن یا عینی بودن آن است. بدین معنا که در این دوران، توجهی به کیفیات ذهنی و روحی و شخصی مجرم (سؤنیت عام و خاص) نمیشد. تفاوتی نبود که او با سوء نیت و عمدتاً یا خطا و یا بدون سوء نیت جرم را مرتکب شده است؛ مرتکب جرم بدون هیچ ملاحظه‌ای در معرض مسئولیت کیفری قرار میگرفت؛ هیچ عنصر روانی برای جرم قائل نمیشدند و مسئولیت کاملاً جنبه مادی داشت. بر اساس تحقیقات محققان و قوانین به جای مانده از منطقه بین‌النهرین فکر موضوعی بودن مسئولیت عمومیت داشت و حتی در یونان، روم باستان نیز رایج بود. عواملی که باعث دامن زدن به این افکار بود به شرح ذیل میباشد:

۱. تصور غالب بر این بود کسی که مرتکب جرمی می شود به واسطه ناپاکی نهادش مرتکب میشود و رفع این ناپاکی فقط از طریق مجازات امکان پذیر است.

۲. مرتکب صدمه‌ای به فرد و جامعه وارد نموده و به منزله میکروبی خطرناک و مسری است که دفع آن حق جامعه است.

۳. موجودی که دست به جرم میزند، خشم خدایان را برمی انگیزد و برای فرو نشاندن این خشم باید گناهکار در نزد خدا قربانی گردد حتی اگر حیوان یا گیاه باشد پس، اگر شاخه درختی باعث زخمی شدن کسی میشد، آن را قطع کرده از بین میبردند و اگر حیوانی انسانی را به قتل میرساند، آن حیوان را به محکمه میکشانند و پس از طی جلسات معین و تنظیم محاکمه حکم نابودی اش را صادر کرده به اجرا در می آوردند و حیوان را به قتل میرساندند.

### گفتار دوم - قانون نامه اورنمو

قانون اورنمو قدیمی ترین قانون نوشته است که تا کنون کشف شده و منسوب به اورنمو پادشاه شهر اور است که دوران حکومتش ۲۱۱۲ تا ۲۱۹۵ قبل از میلاد مسیح هست. مقدمه قانون به معرفی پادشاه و خانواده وی اختصاص دارد. سلسله اورنمو سرآغاز دوره خلاقیت سومری هاست این قانون نامه از سه بخش تشکیل شده: بخش اول آن مطالب حقوقی اندکی را داراست، بخش دوم آن مطالب حقوقی اش محفوظ و سالم نمانده است، بخش سوم آن: که به موضوعات حقوق کیفری نیز اختصاص دارد شامل این موارد است: مجازات مرگ برای قتل عمد، مسأله مالکیت اموال منقول و غیر منقول، فرزندان حاصل از ازدواج اشخاص آزاد و بردگان. جرایم جنسی- نکاح- ضرب و جرح و کیفیات تعیین دیه- جرایم مرتبط با بردگان شهادت دروغ و جرایم ارتكابی در حوزه کشاورزی است.

قانون اورنمو که ۳۷ ماده آن سالم مانده خط شناسان تاریخ نگارش آن را ۲۱۰۰ قبل از میلاد مسیح می دانند. حدود ۱۲۰۰ سال بعد از قانون اورنمو، اسفارخمس که بخش حقوقی تورات را تشکیل می دهد به نگارش در آمده است. در جرایم علیه اشخاص بحث قصاص این گونه مطرح شده که اگر کسی مرتکب قتل شود اولیای دم مرتکب را خواهند کشت. نتیجه آنکه در جوامع باستانی نفس انسان دارای ارزش است و برای تعرض به آن مجازات اعدام را در نظر میگرفتند.

در قانون اورنمو به حبس و بازداشت غیر قانونی نیز اشاره شده است که مجازات آن حبس و جزای نقدی بوده است و پول رایج آن زمان شیکل بوده است، ۱۵ شکل نقره جزای نقدی حبس غیر قانونی بوده است، در جرائم جنسی زنای به عنف به دختر باکره مجازات اعدام را در پی داشته است. البته جهل موضوعی در جرم زنای محصنه جزء معاذیر معاف کننده محسوب می شده به این صورت که ماده ۷ قانون اورنمو می گوید «اگر همسر مرد جوانی به اختیار خود نزد مرد دیگری رود {و نگوید متأهل است} و با او نزدیکی کند زن اعدام می شود و مرد آزاد می شود.» در مباحث خانوادگی مرد می توانست چند همسر اختیار کند اما زنها به درجات مختلف تقسیم می شدند. همسر درجه اول و بیوه- اگر کسی زن درجه اول خود را



طلاق می داد باید ۶۰ شکل نقره به او تسلیم می کرد اما اگر زن بیوه ای را طلاق می داد این مبلغ ۳۰ شکل تعیین می شد. اگر فردی بدون قرارداد رسمی با زن بیوه ای رابطه جنسی داشت در هنگام جدایی یک شکل نقره پرداخت می کرد. در مورد جرایم علیه حیثیت افراد؛ اگر کسی به دیگری اتهامی می زد و متهم را به آزمایش ایزدی می سپردند و آزمایش ایزدی او را تبرئه می کرد، فردی که او را به اوردالی کشانده بود (افترازننده) سه شکل نقره تسلیم می کرد. در بعد شدید تر آن اگر کسی به همسر مردی اتهام بی عفتی می زد اما اوردالی رودخانه او را تبرئه می کرد کسی که به او اتهام زده ۲۰ شکل نقره محکوم می شد. در جرائم مربوط به ضرب و جرح هم قصاص پیش بینی شده و هم پرداخت دیه، مثلاً اگر کسی پای دیگری را عمداً قطع کند پای او قطع می شود. اگر مجنی علیه دیه میخواست دیه آن ۱۰ شکل بوده است. شهادت دروغ مجازاتش ۱۵ شکل نقره بوده همچنین اگر کسی برای ادای شهادت اعلام آمادگی می کرد اما از ادای سوگند سرباز می زد باید خسارات مدعی را پرداخت می کرد.

برخی اسامی خاص در این قانون آمده که مهمترین آن ها مقیاس شکل معادل ۸ گرم بوده است، اتو رب النوع سومر بوده یعنی خدای حامی عدالت- که تصویرش در قانون حمورابی نیز حک شده است.، نیسکوب اشخاص از طبقه اجتماعی پایین بودند- نینسون الهه سومر بوده و حاکمان ادعا می کردند که از نسل او هستند. بردگان در آن دوران مال محسوب می شدند اما ماهیت انسانی برده به رسمیت شناخته شده است. مثلاً ماده ۴ مقرر کرده: اگر برده با کنیزی که دوست دارد ازدواج کند و سپس آزاد گردد در وضعیت فرزندان وی تغییری حاصل نمی شود.

یکی از تفاوت های قانون حمورابی با اورنمو در زنا، زن شوهردار و مجازات برای زانی و زانیه است. در قانون اورنمو مرد زانی مجازات نمی شود از نظر اصول حقوق جزا عنصر معنوی در تحقق مسئولیت کیفری نقش دارد و این یکی از نخستین نمونه های توجه به عنصر معنوی است چرا که مرد به خاطر جهل موضوعی معاف از مجازات می شود. اما در قانون حمورابی اگر شوهری برای همسر خود مجازات مرگ می خواست می توانست اعدام معشوقه اش را نیز تقاضا کند (معشوقه همسر) از این حکم نتیجه می گیریم که در قانون حمورابی علم به موضوع مفروض بوده است.

ادله اثبات دعوا در قانون اورنمو آزمایش ایزدی یا همان اوردالی است. یعنی آزمایش های خطرناکی که برای تشخیص گنهکار بودن یا بی گناهی متهم او را در معرض این آزمایش ها قرار می دادند. مبنای نظری این دیدگاه بر این استوار بود

که قوای مافوق طبیعی بر اوردالی نظارت دارد و بی گناه را از گزند این آزمایش حفظ می کند. اوردالی در اروپا تا قرن ۱۳ میلادی رسمیت داشته است.

اوردالی انواع مختلفی داشته است. اوردالی آب که خود به ۲ صورت بوده نخست، انداختن به رودخانه خروشان و دوم، نوشیدن آب گوگرد بوده در ایران باستان به اوردالی، وَر می گفتند. از جمله این آزمایش ها گذشتن از میان آتش بوده که در دو منبع فارسی به آن اشاره شده (داستان سیاوش فرزند کیکاووس و سوادبه همسر کیکاووس و نامادری سیاوش در شاهنامه فردوسی و منظومه ویس و رامین نظامی) که سیاوش و ویس (برای برائت از اتهام منافی عفت که به آنها زده شده بود) از میان آتش عبور کردند.

### **گفتار سوم - قانون نامه لیپیت اشتار**

این قانون مربوط به ۱۹۳۰ قبل از میلاد مسیح است. نام این قانون از نام پادشاه شهر ایسین گرفته شده است. بعد از سقوط سلسله اور، ایشتار بر شهر ایسین حکومت کرد. در مقدمه این قانون آمده که لیپیت اشتار عدالت را در سرزمین سومر برقرار خواهد کرد. مقدمه این قانون مشتمل است به خودستایی پادشاه درباره لطف و کرمش نسبت به شهروندان سومر و خود را احیاگر عدالت و نظم اجتماعی می داند.

این قانون ۵۰ ماده دارد که ۳۸ ماده آن قابل ترجمه بوده است. تمام ماده‌های قانونی با واژه اگر شروع می شود که به زبان سومری به آن توکوم‌بی گفته می شود. در بخش حقوقی این قانون قوانینی راجع به قایق رانی - کشاورزی - بردگان فراری شهادت دروغ - نکاح - حقوق مالی مربوط به نکاح و اجاره حیوانات دیده می شود. موخره این قانون خطاب به پادشاهان بعدی حکومت لیپیت اشتار است که گفته شده اگر پادشاه بعدی این قانون را رعایت کند بر او درود فرستید و هرکس بر آن بی اعتنایی کند بر او لعن و نفرین فرستید. در این قانون جرم قذف با جزای نقدی همراه بوده ماده ۲۳ می گوید: اگر کسی ادعا کند دختر باکره ای با شخص دیگری رابطه جنسی داشته اما ثابت شود که نداشته است مرتکب به ۱۰ شکل نقره محکوم می شود.

### **گفتار چهارم - قانون نامه اشنونا**

این قانون مربوط به ۱۹۷۰ قبل از میلاد مسیح است. وجه تسمیه آن یکی از پادشاهان شهر اشنونا به نام ودوشا می باشد که از معاصران حکومت حمورابی بوده است. قلمرو وی سرانجام مقهور سلطنت حمورابی پادشاه بابل گردید. این قانون مقدمه و

موخره ندارد و مشتمل بر مقرراتی از جمله مسئولیت مستأجر - مسائل کشاورزی، جرایم علیه اموال - حقوق ناشی از روابط زناشوئی، جرائم جنسی - مراقبت از فرزندان در هنگام طلاق و حضانت و ضرب و جرح شخص آزاد است.

در این قانون هتک حرز در هنگام روز با جزای نقدی همراه است اما هتک حرز در هنگام شب به عنوان کیفیات مشدده مجازات مرگ را رقم خواهد زد، ماده ۱۲ این قانون می گوید: اگر کسی در مزرعه فردی در میان دسته های محصول به هنگام روز دستگیر شود ۱۰ شکل نقره تسلیم خواهد کرد و اگر در شب هنگام باشد زنده نخواهد بود. همین مجازات برای ورود به منزل غیر نیز پیش بینی شده، آدم ربایی دختر باکره و ازاله بکارت مجازات اعدام را برای مرتکب رقم خواهد زد، زنانی محصنه مجازات مرگ را در این قانون به همراه داشته است. ازاله بکارت از کنیز متعلق به دیگری جزای نقدی معادل ۲۰ شکل نقره به همراه داشته است، اگر فردی در جنگ به اسارت گرفته می شد در طول زمان اسارت کسی با همسر او ازدواج می کرد، حتی اگر زن از همسر دوم فرزندی می زایید، مطابق ماده ۱۲۹ این قانون هر زمان که همسر اول باز می گشت می توانست زوجه خود را پس بگیرد. اما اگر کسی به خاطر ارتکاب جرمی فرار کند بعد فرد دیگری با همسر او ازدواج می کند هر زمان که برگردد دیگر حقی نسبت به همسرش ندارد. در باب خیانت در امانت ماده ۳۶ این قانون می گوید: اگر کسی اموالش را نزد امین بگذارد و این اموال گم شود و امین نتواند مدرکی دال بر عدم قصورش ارائه کند باید خسارت اموال امانت گذار را بپردازد. دیه اعضای بدن در این قانون بسته به اهمیت عضو متفاوت است مثلاً دیه اعضای صورت بیشتر از سایر اعضای بدن است. در باب حمایت از زنان در این قانون موارد قابل توجهی دیده می شود مثلاً: مردی همسر خود را که برای او اولاد آورده طلاق دهد و سپس با زن دیگری ازدواج کند این مرد است که باید منزل مشترک را ترک کند.

در این قانون برای نگهداری منزل قوانین سختی پیش بینی شده به این صورت که ماده ۶۰ مقرر داشته اگر نگهدارنده منزل در پاسداری از خانه غفلت کند و سارق لوازمو منزل را سرقت کند نگهدارنده به دست اعضای منزل کشته و جسدش در شکاف دیوار دفن می شود.

### **گفتار پنجم - قانون نامه هیتی ها**

این قانون نامه مربوط است به ۱۵۰۰ تا ۱۶۵۰ قبل از میلاد مسیح و ۲۰۰ ماده دارد. این قانون نسبت به قانون حمورابی ملایم تر است و البته با حمورابی یک قرن فاصله دارد. در این قانون برخی جرم انگاریهای جنسی جدیدتر نظیر رابطه

جنسی با حیوانات و زنا با محارم پیش بینی شده است که در مورد اخیر بیشتر مذمت اخلاقی است تا ضمانت اجرای کیفری.

در مورد جرایم علیه اشخاص جرم آدم ربایی در صورتی که فرد ربوده شده به نحوی پیدا می‌شد رباینده تمام اموالش را بایستی به او می‌داد. در این قانون جادوگری نیز جرم انگاری شده است و در محکمه شاهی فرد محاکمه می‌شد. در ماده ۱۱۱ این قانون آمده که هر کس از خاک رُس به منظور سحر و جادو استفاده کند پرونده اش به محکمه پادشاهی ارجاع داده می‌شود. شیوه دیگری از جادوگری در ماده ۴۲ مکرر آمده که اگر کسی که مراسم تطهیر و تدفین را انجام می‌دهد بقایای جسد سوزانده شده را عمداً در منزل دیگری نگهداری کند این عمل شکل دیگری از جادوگری تلقی شده و پرونده اش به دادگاه شاهی ارجاع داده می‌شود. شکل دیگری از جادوگری در ماده ۱۷۰ پیش بینی شده به این ترتیب که اگر مرد آزادی ماری را بکشد و در همان حال نام دیگری را ببرد باید ۴۰ شکل نقره بپردازد و اگر مرتکب برده باشد کشته می‌شود. در جرایم جنسی با حیوانات نکته قابل توجه این است که رابطه با حیوانات به صورت مطلق جرم انگاری نشده بلکه برای هر حیوان یک ماده اختصاص داده شده است. مثلاً ماده ۱۸۷ این قانون در مورد آمیزش با ماده گاو است که مجازاتش مرگ است و اگر پادشاه مرتکب را عفو کند به عنوان مجازات تبعی تا آخر عمر حق حضور در محضر پادشاه را نخواهد داشت. ماده ۱۸۸ در مورد آمیزش با گوسفند است که مثل ماده قبل است، ماده ۱۹۹ نیز در مورد ماده خوک و ماده سگ می‌باشد. نکته قابل توجه این است که در این مواد پادشاه حسب ممکن است دستور کشتن حیوان قربانی را نیز صادر کند. یکی دیگر از نکات قابل توجه در مورد جرایم جنسی با حیوان این بود که برقراری رابطه جنسی با اسب یا قاطر صراحتاً جرم نبود. ماده ۲۰۰ می‌گوید اگر مردی با اسب ماده‌ای رابطه جنسی برقرار کند عمل جرم نیست اما دیگر نمی‌تواند روحانی شود و حق حضور نزد پادشاه را نیز ندارد. نکته دیگر در ماده ۲۰۰ این است که در این ماده که در خصوص آمیزش با حیوانات می‌باشد به زنان اسیر شده نیز اشاره شده است. در این قانون به زن اسیر شده، در جنگ اصطلاحاً آرناوالامی می‌گویند. در این ماده آمده که همبستر شدن با چنین زنی جرم نیست. در مورد زنا با محارم در این قانون فقط به غیر مشروع بودن و یا غیر مجاز بودن این روابط تأکید شده یعنی بیشتر توصیه اخلاقی می‌باشد. ماده ۱۸۹ در مورد زنا با مادر یا فرزندان دختر، همچنین لواط با پسر است. در مورد زنا با مادر خوانده اگر پدر فوت شده باشد عمل جرم نیست ولی اگر پدر در قید حیات باشد ماده می‌گوید رابطه‌ای غیر مجاز است.

ماده ۱۹۵ در مورد زنای پدر ناتنی با دختر زوجه خود می‌باشد که هیچ کدام ضمانت اجرای کیفری نداشته است، تنها رفتار جنسی نسبت به انسان که مجازات کیفری به دنبال دارد، تجاوز به عنف می‌باشد. آن هم در صورتی که زن در بیرون از خانه مورد تجاوز قرار گرفته باشد یعنی اگر زن در خانه است و مورد تجاوز غریبه قرار بگیرد این زن است که کشته می‌شده و در واقع سؤنیت زن خانه دار مفروض گرفته می‌شده است. به علاوه در زنا محصنه به رضایت، شوهر زن خائن می‌تواند زوجه خود و معشوقه اش را حین زنا بکشد. (قتل در فراش)

### گفتار ششم - قانون نامه حمورابی

این قانون ۲۸۲ ماده دارد و زمان نگارش آن به ۱۷۵۰ سال قبل از میلاد مسیح باز می‌گردد. در این قانون صرفاً به امور کیفری پرداخته نشده بلکه قوانینی نیز در مورد نکاح - حضانت - امور تجارت و انتظام اجتماعی دیده می‌شود. این قانون بر روی یک سنگ حکاکی شده که ابعاد آن ۲/۵ در ۱ متر است، محل فعلی آن کشور فرانسه است، خود حمورابی در مقدمه قانون می‌گوید: این قانون یک قانون غیر الهی است و برای اینکه نظم در جامعه بوجود بیاید این قانون را تنظیم کرده و همواره خود را پادشاهی عادل معرفی کرده است. در دوران حمورابی جامعه سه طبقه داشت: افراد آزاد - افراد برده - افراد آزاده شده - اصول حاکم بر قانون نامه حمورابی را این گونه می‌توان بر شمرد:

**نخست،** اصل مساوات و برابری وجود ندارد. یعنی حقوق کیفری نیز طبقاتی بوده مثلاً اگر یک جراح چشم باعث نابودی چشم فرد شود اگر فرد آزاد باشد دست جراح را قطع می‌کردند ولی اگر یک برده یا یک فرد آزاد شده باشد، در مقام غرامت طبق ماده ۲۱۸ باید یک برده به مریض خود بدهد. ماده ۲۱۰ می‌گوید اگر یک دندان پزشکی دندان یک فرد آزاد را نابود کند قصاص می‌شود ولی اگر از طبقه برده یا آزاد شده باشد یک شکل نقره پرداخت می‌شود.

**دوم،** عدم رعایت تساوی محل در قصاص عضو است: ماده ۲۰۵ می‌گوید اگر کسی چانه دیگری را شکست او می‌تواند گوش او را ببرد. یا در مورد جراح چشم که باعث کور شدن مریض می‌شده مجازات جراح قطع دستانش است.

**سوم:** عدم رعایت اصل شخصی بودن، مجازات‌ها، ماده ۲۱۰ این قانون می‌گوید اگر شخصی دختر دیگری را کتک بزند اگر باردار باشد و سقط جنین کند باید ۱۰ شکل نقره بپردازد، اگر مضروب فوت کند اولیای دم می‌توانند دختر ضارب را به قتل برسانند، یا ماده ۲۲۹ می‌گوید اگر معماری برای کسی خانه‌ای ساخت اما این خانه فرو ریخت اگر خود صاحب خانه مرد معمار را به قتل می‌رساند، اگر پسر صاحب خانه فوت کرد پسر معمار را به قتل می‌رساند.

**چهارم**، توصیه به رعایت اصل قانونی بودن جرم و مجازات: به طور ضمنی در این قانون به قضات توصیه شده که بر اساس مقررات این قانون رأی صادر کنند.

**پنجم**، رعایت اصل برائت به طور استثنایی: قبلاً دیدیم که در اورنمو، اشنوناو لپییت ایشتار- اصل برائت رعایت نمیشد اما در قانون نامه حمورابی در برخی مواد اصل برائت نیز دیده می‌شود. مثلاً در ماده ۱۳۱ می‌گوید اگر مردی به زوجه خود بدگمان شد اما زن خود را با یک مرد اجنبی ندیده باشد آن زن سوگند می‌خورد و به خانه‌اش باز می‌گردد، اما اگر قذف توسط مردم صورت می‌گرفت یعنی مردم به زن مرد دیگری اتهام اخلاقی می‌زدند هر چند شواهدی وجود نداشت زن می‌بایست به خاطر حفظ آبروی شوهرش تن به اوردالی آب می‌داد.

در مورد سحر و جادو نیز اگر کسی به ساحری متهم می‌شد فرد را در داخل رودخانه می‌انداختند. اگر رودخانه او را با خود می‌برد آن اتهام زننده همه دارایی او را تصاحب می‌کرد، اما اگر رودخانه نشان می‌داد که شخص بی‌گناه است اتهام زننده به قتل می‌رسید و کسی که خود را به رودخانه پرتاب کرده بود دارایی اتهام زننده را تصاحب می‌کرد.

در قانون حمورابی برای حمایت از مصرف کنندگان نیز مقرراتی مشاهده می‌شود از جمله ماده ۱۰۸ مجازات کم فروشی شراب را مجازات مرگ از طریق انداختن در آب تعیین کرده، همچنین کیفیات مشدده شخصی برای روحانیون زن پیش بینی شده، به این ترتیب که ماده ۱۱۰ مقرر داشته اگر یک راهبه وارد یک شراب فروشی شود مجازات مرگ از طریق سوزاندن پیش بینی شده است.

در مورد جرایم جنسی، زنا با محارم در این قانون جرم انگاری شده است. ماده ۱۵۴ مقرر کرده اگر مردی با عروس مدخوله خود هم‌آغوشی کند مرتکب را به داخل آب می‌اندازند. زنا با مادر مجازات سوزاندن را برای مرتکب رقم می‌زند، اگر مادر رضاعی باشد شخص از اموال پدری ارث نمی‌برد.

در برخی از جرائم جنسی گذشت شاکی خصوصی جنبه عمومی جرم را نیز زایل می‌کرد. مثلاً ماده ۱۲۰ می‌گوید: اگر زوجه فردی با مرد دیگری خوابیده باشد و دستگیر شود آنها را به یکدیگر بسته و به داخل آب می‌اندازند اگر شوهر زن او را ببخشد شاه نیز باید رعیت خود را ببخشد.

در مورد اختلافات خانوادگی، شبیه طلاق خلع در این قانون در ماده ۱۴۲ پیش بینی شده به این صورت که زنی اگر به شوهر خود بگوید تو نباید من را داشته باشی پرونده در انجمن شهر بررسی می‌شود و زن می‌تواند جهیزیه خود را برداشته و

به خانه پدرش باز گردد، اما اگر به حکم انجمن آن زن، زنی بود که وظایف زناشویی را انجام نمی‌داده (ناشزه بوده) و شوهرش را تحقیر می‌کرده، حکم انداختن زن در آب را می‌دادند. در مورد فرایند طلاق ابتدا باید حقوق مالی زن تأدیه می‌شده به این صورت که ماده ۱۳۸ مقرر کرده اگر شخصی قصد دارد همسر مدخوله خود را طلاق دهد باید مهریه کامل به او دهد، همچنین جهیزیه را به زن پس دهد و بعد او را طلاق دهد. اگر مهریه‌ای تعیین نشده بود یک مینای نقره به عنوان اجرت المثل ایام زناشویی به زن می‌دادند

در زمان حمورابی یک عرف مذهبی حاکم بوده که پدر میتواند دختر خود را به عنوان یک روحانی یا یک روسپی مقدس نزد خدای آن زمان وقف کند و می‌تواند از سهم خود از اموال پدری یک سوم بعد از مرگ پدر دریافت کند و مابقی برای برادران می‌باشد.

اگر زنی فرزند والدین دیگری را بدزدد تحت پرستاری خود قرار دهد مجازات زن بردن سینه‌هایش بوده است. ضرب و شتم پدر در این قانون جرم انگاری شده است. ماده ۱۹۵ می‌گوید پسری که پدر خود را بزند، دست او را قطع کنند، اما در مورد ضرب و جرح مادر سخنی در این قانون نیامده است.

در این قانون جرایم علیه اموال نیز مصادیقی از آن پیش بینی شده، مثلاً جرم خیانت در امانت ماده ۲۵۳: اگر کسی دیگری را برای انجام امور مزرعه‌اش استخدام کرده و آلات و ادوات و گاوهایش را به او سپرده در صورتی که امین آنها را دزدیده دست او را قطع می‌کنند. رابطه کارگر و کارفرما نیز در این قانون در آخرین ماده پیش بینی شده است. ماده ۲۸۲: اگر یک برده به ارباب خود بگوید تو ارباب من نیستی بعد از اینکه این امر اثبات شد ارباب می‌تواند گوش او را ببرد.

## **مبحث سوم - عدالت کیفری در آیین یهود**

### **گفتار اول - قواعد عمومی**

دین یهود سه هزار سال تاریخ حضور در دنیا را دارد که بر دو دین دیگر همچون مسیحیت و اسلام تأثیر گذاشته است. هر سه دین به خدای یگانه معتقدند. در برخی نوشتگان حقوقی از این سه دین به عنوان ادیان یهودی تبار یاد می‌شود، مسیحیت از درون یهود جوشیده است. پیروان عیسی (ع) ابتدا کتاب مقدس (عهد قدیم) را پذیرفتند و تعالیم دینی را در عهد جدید آوردند. اسلام یهودیت را تصدیق کرده اما همه تعالیم یهود را دفاع نمی‌کنند. هر چند احکام مشابه بسیاری در هر دو شریعت مشاهده می‌شود. به همین دلیل جایگاه متون مقدس به عنوان منبع قوانین، نحوه استنباط احکام حقوقی از این

متون، ادله اثبات دعوا، جرم انگاری و مجازات از موضوعاتی هستند که در تاریخ حقوق کیفری مطرح می‌شوند، در تورات که مهمترین منبع یهود است مباحث حقوقی زیادی دیده می‌شود. یهودیت معتقد است ده فرمان موسی ریشه همه احکام شریعت است. آموزه های یهود به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱- **آگادا:** که حاوی نکات اخلاقی و پندآمیز و نظریات فلسفی است.

۲- **هالاخا:** معادل قوانین شریعت در یهود است که در واقع آموزه های دستوری دین یهود است.

واژه **میشپاط و دینیم** در متون شرعی یهود به معنای قانون ( یعنی احکامی که ناظر به رابطه انسان با خدا و روابط اجتماعی انسانهاست) بکار رفته است. علت اینکه در زبان عبری واژه ای دقیقاً معادل قانون نمی‌توان یافت دلیلش این است که در آیین یهود قوانین حاکم بر روابط انسانها و احکام ناظر بر رابطه انسان و خدا وحی الهی است. کتاب مقدس یهودی را عهد می‌نامند. علت این نام گذاری این است که بنا بر آنچه در تورات آمده خداوند با قوم اسرائیل پیمان بست که در قبال رعایت احکام شریعت قوم محبوب خدا شوند. بر اساس تعالیم یهود پیام تورات برای همه انسانها است نه فقط قوم اسرائیل. با این وجود رابطه غیر یهودیان با تورات این گونه ترسیم شده: اگر غیر یهود به قانون اخلاقی تورات که در واقع همان قوانین ۷ گانه نوح هستند وفادار باشند، رستگار می‌شوند. این ۷ قانون کمترین وظیفه اخلاقی هر انسانی است. اما در تلمود (تورات شفاهی) آمده که هر غیر یهودی که این ۷ قانون را بپذیرد نیمه مؤمن می‌شود. بیشتر این ۷ قانون در فطرت آدم ریشه دارد و عقل بدون نیاز به وحی نیز بر آن تأکید می‌کند. یکی از فیلسوفان یهودی در قرون وسطی موسی ابن میمون است. او می‌گوید: کسی که غیر یهودی است و این قواعد ۷ گانه را بپذیرد سهمی در دنیای آینده دارد. این افراد را باید در جامعه یهودی کاملاً محترم شمرد. مطابق مقررات این ۷ قانون را از این جهت قوانین نوح می‌گویند که خداوند بعد از توفان با فرزندان نوح پیمان بست مبنی بر اینکه خداوند دیگر هیچ انسانی را با توفان هلاک نکند در قبال آن انسانها این احکام ۷ گانه را به جای آورند. ۴ قانون با زبان نهی توصیه شده و یکی به سیاق امر.

۱- بت نپرستید

۲- کفر نگویید

۳- خون نریزید

۴- گناه جنسی نکنید



۵- دزدی نکنید

۶- گوشت حیوان زنده را نخورید

۷- یک دادگاه عادل بر پا کنید.

بیشتر این احکام صبغه حقوق کیفری را دارد. نکته جالب فرمان هفتم است که وظیفه همه ملت ها را این می‌داند که یک نظام قضایی عادلانه بر پا کنند که امروزه در ادبیات نویسندگان حقوقی نیز گفته می‌شود وظیفه اصلی حقوق دفاع از عدالت است.

### گفتار دوم - حقوق کیفری یهود و ویژگی های آن

ویژگی های نظام حقوقی یهود: ۲ ویژگی برجسته در نظام حقوق یهود جلوه می‌کند. ۱- دینی بودن ۲- ملی بودن آن. اینها دو ویژگی این نظام حقوقی در این جهت منحصر کرده که حتی در دوران‌هایی که امکان اجرا وجود نداشته اما همچنان حفظ شده است. یهودیان از تظلم‌خواهی در دادگاههای غیر یهودی منع شده اند. در تلمود آمده که نه تنها دعاوی که در آن احکام دادگاه غیر یهودی با حقوق یهود مخالف است نباید به آن دادگاه ها مراجعه کرد بلکه حتی در موضوعاتی که رأی دادگاه غیر یهودی یا حقوق یهود یکسان است باز هم دادخواهی ممنوع است. در تدوین مقررات حقوق کیفری یهود دو الگو بکار رفته است:

۱- قوانین شرطی که با «اگر» شروع می‌شود مثلاً اگر انسانی، انسان دیگری را بزند و او بمیرد هر آینه کشته شود به نظر نویسندگان این شیوه نگارش خاستگاهش قوانین خاور نزدیک بوده که قوم اسرائیل بعد از فتح این سرزمین ها این الگو را فرا گرفتند. در قانون حمورابی نیز این الگو رعایت شده مثلاً اگر شخصی مرتکب سرقت شد هر آینه باید کشته شود.

۲- قوانین منجز: مثل قوانین ۱۰ فرمان که به نحو اطلاق بیان شده است: قتل نکن - زنا نکن، که این شیوه در سنت اسرائیل باستان ریشه دارد.

اما قوانین یهود با قوانین بین النهرین ۲ وجه تمایز و افتراق دارند:

۱- از نظر اعتبار یا مشروعیت قوانین: در قانون نامه های بین النهرین در مقدمه آمده که پادشاه با راهنمایی خداوند این قوانین را نوشته است مثلاً در مقدمه حمورابی آمده که: مردوک مرا گماشت تا مردم را به راستی هدایت کنم و عدالت را برقرار کنم. اما در کتاب مقدس، موسی واسطه است نه قانونگذار. منبع قوانین تورات، خداوند است و موسی این قوانین را به

مردم انتقال داده است، پس قوانین تورات نقض حکم شریعت است و ناظر به روابط فرد بر خداوند است و ضمانت اجرای آن صرفاً دنیایی نیست اما قوانین بین النهرین ناظر بر روابط انسانها با یکدیگر است.

یکی از جلوه‌های این تفاوت در جرائم جنسی است. در قوانین حمورابی و هیتی‌ها جرم زنا محصنه قابل گذشت هست. ماده ۱۲۹ قانون حمورابی: اگر زنی شوهر دار با مرد دیگری خوابیده و دستگیر شد، آنها را به یکدیگر بسته به داخل آب انداخته، اگر شوهر زن از او گذشت کرد پس شاه نیز باید رعیت خود را بیخشد. مشابه همین قاعده در ماده ۱۹۷ قانون هیتی‌ها آمده علت قابل گذشت بودن به نظر می‌رسد این است که زنا محصنه از نگاه این دو قانون تعدی به حقوق شوهر است تا به حقوق الهی. اما در حقوق یهود زنا محصنه فی نفسه مجازات مرگ را برای طرفین به دنبال دارد چرا که این گناهی است نسبت به خداوند.

۲- از نظر ارزش جان انسان: در تورات فقط برای تعرض به جان و ناموس و عفت و کرامت افراد مجازات اعدام در نظر گرفته شده اما در جرایم علیه اموال حداکثر مجازات جزای نقدی با کیفیات مشدده است. اما در قوانین بین النهرین موارد زیادی از جرائم مالی مجازات آنها مرگ است مثلاً خیانت در امانت - سرقت از اماکن مذهبی و معابد. حتی ضمانت اجرای عدم پرداخت جزای نقدی، نیز مرگ است مثلاً ماده ۸ حمورابی میگوید: اگر سارقی که به پرداخت جزای نقدی محکوم شده اما توان پرداخت ندارد باید به قتل برسد.

با این وجود شباهت هایی می توان بین تورات و قوانین بین النهرین مشاهده کرد: مثلاً مجازات شهادت دروغ در هر دو قانون قتل است. اگر موضوعی که در مورد آن شهادت می‌دهند یک پرونده قتل باشد همسانی مجازات شهادت دروغین با مجازات جرم مورد شهادت در قانون تورات و قوانین بین النهرین شباهت در خور تأملی است.

### **گفتار سوم - منابع حقوق یهودی**

منابع حقوقی یهود را می‌توان به ۳ دسته تقسیم کرد:

۱- منابع مکتوب: که عبارتند از کتاب مقدس (تورات و ملحقات آن) - تلمود که به زعم یهودیان شریعت شفاهی موسی است و خود شامل میشنا و گماراست (تفسیر و شروح و تکمله های فقهای یهودی بر تورات است) و آثار پساتلمود

۲- منابع قانونی: شامل سنت موسی (ع) - میدراش که تفسیر کتاب مقدس یهود است - مینه‌هاگ که همان عرف یهود است و معسه که رویه قضایی یهود است، سوارا که عقل می‌باشد - تقانا و گِزرا که قانونگذاری های مراجع ذی صلاح در ادوار مختلف می‌باشد.

## گفتار چهارم - منابع مکتوب حقوقی یهود

۱- **کتاب مقدس:** کتاب مقدس به زبان عبری نخستین منبع مکتوب حقوق یهود است. یهودیان به آن عهد یا تَنخ می‌گویند، مسیحیان به آن عهد قدیم می‌گویند. کتاب مقدس سه بخش دارد: تورات - کتب انبیاء و مکتوبات - واژه تورا به عبری یعنی آموزش و تعلیم در بعضی نوشتگان حقوقی آن را به شریعت ترجمه کرده اند. تورات خود از ۵ بخش تشکیل شده که به آن اسفار پنجگانه می‌گویند. (سفر در عبری به معنای کتاب بزرگ است)

الف: سفر پیدایش: داستان آفرینش جهان و خلقت انسان را بیان می‌کند. آدم گناه می‌کند و همین باعث هبوط او به زمین می‌شود و داستان زندگی انسان از اینجا آغاز می‌شود. داستان زندگی نوح و ابراهیم، اسحاق و یعقوب و پسران یعقوب. در این بخش آمده و با مرگ یوسف (ع) در مصر به پایان می‌رسد. این بخش عموماً تاریخ است و به ماقبل موسی اختصاص دارد و حاوی مباحث حقوقی نیست.

ب: سفر خروج: در این بخش از تولد موسی آغاز و بعد از بعثت وی و خروج بنی اسرائیل از مصر سخن می‌گوید. بعد از خروج از مصر، موسی بر کوه سینا وحی را از یَهُوه (خداوند) دریافت می‌کند که به آن ده فرمان می‌گویند و از اینجا شریعت یهود آغاز می‌شود.

در ذیل هر فرمان احکام حقوقی نیز ذکر شده مثلاً: قوانین راجع به قتل - آدم ربایی - ضرب و جرح - سقط جنین در باب ۲۱ - قوانین درباره جرائم علیه اموال در باب ۲۲ - جرائم علیه عدالت قضایی در باب ۲۳ (شامل رشوه به مقامات قضایی) دیده می‌شود.

ج: سفر لاویان: نام لاوی از خانواده یهودی که همگی کاهن بودند انتخاب شده در این بخش احکام حقوقی با تأکید بر جرائم جنسی دیده می‌شود. (لاویان در عبری یعنی و او میخواند)

د- سفر اعداد: این بخش روایت آوارگی بنی اسرائیل در پی نافرمانی از موسی است. از آن جهت به آن اعداد می‌گویند که بعد از اینکه بنی اسرائیل در بیابان آواره شد اقدام به سرشماری قوم خود نمود. در این بخش نیز احکام حقوقی از جمله جبران خسارت و نیز داوری ایزدی (اوردالی) دیده می‌شود.

ه- سفر تثئیه: سفر تثئیه (سخنان) تکرار احکامی است که در اسفار پیشین آمده است. همچنین به تاریخ بنی اسرائیل تا رحلت حضرت موسی اشاره می‌کند و به علاوه احکام حقوقی مبنی بر قضاوت و اجرای قسامه در دادگاهها را دارد.

یکی از فصل های مهم در عهد عتیق در تورات نامش اِستَر هست. استر ملکه‌ای یهودی بوده که همسر خشایارشا هخامنشی بوده است. پسر عموی او که پدر خوانده اش نیز می‌شده نامش مردخای بوده است. این دو با توطئه یکدیگر باعث می‌شوند وزیر خشایار که نامش هامان بوده و یک ایرانی نژاد پرست بوده به قتل برسد. یهودیان این واقعه را پوریم نام نهادند که به جشن پوریم معروف است و به آن جشن ایرانی‌کُشی هم می‌گویند، چون مطابق اسناد موجود ۷۷۰۰۰ ایرانی توسط یهودیان به قتل رسیدند. این اتفاق در روز ۱۳ فروردین به وقوع پیوسته است. به همین دلیل عدد ۱۳ نزد ایرانیان به عنوان یک عدد نحس معروف است. از این واقعه به هولوکاست ایرانی نیز یاد می‌شود.

اما استر چگونه همسر خشایار شده است؟ در تورات آمده که خشایارشا در یک شب عیش و نوش از ملکه خود که نامش وَشْتی بوده می‌خواهد که در جلوی مهمانهایش عریان شود تا زیبایی های اندام زنش را به رخ بکشد. همسرش از این کار اجتناب می‌کند. ملکه مورد غضب شاه قرار می‌گیرد و مقرر میشود که ملکه ای جدید برای شاه انتخاب شود. مردخای یهودی که از کارگزاران دربار بوده، دختر خوانده خود را به خشایارشا معرفی می‌کند اما هویت دینی استر را که یهودی بوده، افشا نمی‌کند. هامان که وزیر اعظم خشایار بوده از این اتفاق آزرده می‌شود، خشایارشا را متقاعد می‌کند که یهودیان در قلمرو هخامنشیان قصد شورش دارند و حکم قتل عام آنها را می‌گیرد. این جریان به گوش مردخای یهودی رسیده و قرار بر این بوده که روز ۱۳ دوازدهم ماه سال در تقویم عبری، یهودیان به دستور شاه کشته شوند. مردخای از استر می‌خواهد نزد خشایار رود و او را از این کار منصرف سازد، بعد از گذشت یک شب، استر با حکم قتل هامان و خانواده اش و حکم جانشینی مردخای به جای هامان بر می‌گردد. در روز سیزدهم از دوازدهمین ماه سال عبری که مصادف با فروردین شمسی است، ۷۷۰۰۰ ایرانی در قلمرو هخامنشیان توسط یهودیان به قتل می‌رسند. در حال حاضر آرامگاه استر و مردخای در همدان یکی از زیارتگاه های یهودیان است. واژه پور در عبری یعنی قرعه و وجه تسمیه آن به این جهت است که هامان برای انتخاب

روز قتل عام یهودیان قرعه انداخت. این نسل کشی ایرانی مطابق با ۱۳ فروردین است و در ایران باستان نماد اعتراض به جنایت یهودیان آن زمان است .

کارشناسان تاریخ حقوق معتقدند مطالب آخرین فصل تورات که نامش استر است، اواخر عهد هخامنشی نوشته شده و محتوای آن مستمسکی برای صهیونیست‌های اسرائیلی است که دیدگاه‌های خود را در دنیا اعمال کنند<sup>۱</sup>.

**۲- تلمود (میشنا و گمارا):** تلمود (به عبری یعنی آموختن و مطالعه و تعلیم) شریعت شفاهی موسی است که شامل شش دفتر و ۶۲ باب و ۶۲۰۰ صفحه است. و منبع اصلی قوانین یهود است. یهود معتقد است علاوه بر تورات نوشته - تورات دیگری نیز بر موسی وحی شد که به آن تورات شفاهی می‌گویند. در واقع تفسیر تورات مکتوب بوده که فقهای یهودی اقدام به تدوین این مجموعه کرده اند. تلمود دو بخش دارد: میشنا که تفسیر خاخامهای یهودی بر تورات است و گمارا که دکترین خاخامهای یهودی در مسایل مختلف روز است. میشنا در عبری یعنی آموزش و تکرار که حاصل تلاش‌های ۶ نسل فقهای یهود است. در این کتاب احکام حقوقی در باب کشاورزی احکام روز شنبه (در عبری به شنبه سَبَت می‌گویند) احکام ازدواج و طلاق- مهریه- جرایم مستوجب سلب حیات- شیوه اجرای مجازات‌ها- رشوه- سوگند و قسامه - قربانی ها و هدایای معابد و طهارت شرعی و املاک.

بعد از نوشتن میشنا ملحقاتی به آن اضافه شد که نامش گمارا (در عبری یعنی تکمیل) می‌باشد.

### **گفتار پنجم - منابع قانونی یهود**

۱- سنت: که پاسخگویی به مسائل روز و مقتضیات زمانی و مکانی بوده و سابقه آن به سیره موسی بر می‌گردد. که نسل به نسل منتقل شده است.

۲- میدراش: یعنی در عبری تفسیر که در واقع تفسیر کتاب مقدس است که بعد از تورات و سنت موسی منبع اصلی حقوق یهود است. در علم حقوق یکی از شیوه‌های تفسیر، تفسیر منطقی است. تفسیر منطقی تفسیری است که کاشف از نظر

---

<sup>۱</sup> اخیراً نیز نخست وزیر اسرائیل (بنیامین نتانیاهو) در سخنرانی خود در کنگره آمریکا در توجیه خطرناک بودن جمهوری اسلامی ایران و ریشه دار بودن نفرت ۲۵۰۰ ساله ایرانیان از یهودیان، به داستان استر و هامان در تورات اشاره کرده است. برای مطالعه بیشتر نگاه کنید به لینک زیر:

<http://irma.ir/fa/News/81528092/>

تاریخ خبر: ۱۳۹۳/۱۲/۱۳

مقنن باشد و در میدراش وقتی معضلی حقوقی جدیدی بوجود می‌آمده از روش تفسیر منطقی برای حل معضل استفاده می‌کردند.

مثلاً در تورات آمده که دختری که نامزد دارد اگر در صحرا به او تجاوز شد و دختر فریاد بر آورد اما برایش رهاننده‌ای نبود، او را مجازات نکنید. در میدراش در تفسیر این آیه این گونه آمده: واژه صحرا را نباید به معنای تحت اللفظی آن گرفت، بلکه ملاک بی گناهی یا گناهکاری دختر مقاومت یا عدم مقاومت در برابر این عمل است. آیا منصفانه است که بگوییم اگر این اتفاق در شهر برایش افتاده بود از مجازات معاف نیست ولی در صحرا معاف است؟! تورات می‌گوید او فریاد بر آورد و رهاننده‌ای برایش نباشد پس اگر کسی نباشد که او را نجات دهد چه در شهر و چه در صحرا از مجازات معاف است.

پس به این ترتیب می‌توان گفت میدراش محتوای پوشیده یک قانون موجود در نظام حقوقی یهود را آشکار می‌سازد. به بیان دیگر میدراش کاشف است از یک قانون از قبل موجود در کتاب مقدس.

**۳ - تقانا و گزرا** که قانونگذاری ها و احکام حکومتی در ادوار مختلف نظام حقوقی یهود است. تقانا قانونگذاری های جدید است یعنی از متن کتاب مقدس استخراج نشده است. تقانا احکام وجوبی است و گزرا احکام نهی کننده است.

**۴ - مینهاگ** که همان قواعد حقوقی برگرفته از عرف یهود است. عرف در یهود در صورتی منبع قانونی است که نظام حقوقی یک رفتار پذیرفته شده همگانی را به عنوان یک قاعده الزام آور حقوقی تصدیق کند.

**۵ - معسه** که همان رویه قضایی و نظریه های مشورتی عالمان شریعت یهود است.

**۶ - سوارا** یا عقل همان منطق حقوقی است که عالمان شریعت یهود در استدلال هایشان بکار می برده اند. (دکترین)

نمونه ای از استناد به عقل به عنوان منبع مستقیم وضع قانون را می توان در بحث زیر مشاهده کرد: اصا مهم در یهود این است که اگر به کسی گفته شود که قانون تورات را نقض کن و الا کشته می شوی وی باید قانون را نقض کند تا کشته نشود زیرا به گفته عالمان یهود قوانین تورات وضع شده اند تا آدمی با آنها زندگی کند مه اینکه به خاطر آنها کشته شود با این همه سه گناه کبیره از این قاعده مستثنا شده اند: اگر کسی را مخیر کنند که یکی از سه جرم بت پرستی، زنا و قتل را مرتکب شود یا کشته شود او باید تن به مرگ دهد اما آن گناهان را انجام ندهد. این قانون در خصوص دو جرم بت پرستی و زنا به وسیله تفسیر کتاب مقدس وضع شده است اما در مورد قتل دیگری منبع وضع آن عقل است نه تفسیر. چنین استدلال شده که دلیل آن این است که چه کسی می گوید خون تو سرخ تر است؟ شاید خون آن دیگری سرخ تر باشد!

## گفتار ششم - ادوار حقوق یهود

قوانین نظام یهود ۳۰۰۰ سال قدمت دارد، اما برای سهولت مطالعه تاریخ حقوق یهود را بر ۲ دوران تقسیم می‌کنند.

۱- آغاز شریعت مکتوب یهود تا دوره نگارش تلمود

۲- دوره پسا تلمود تا عصر حاضر که به آن عصر بیداری نیز می‌گویند.

از زمانی که تورات شفاهی در میشنا مکتوب شد و تفسیر آن در تلمود نگاشته شد نقطه عطفی در تاریخ حقوق یهود است. دوران شریعت مکتوب تا پایان تلمود حدوداً ۱۹۰۰ سال قدمت دارد، از سال ۱۲۸۰ قبل از میلاد مسیح تا ۶۰۰ میلادی. دوران پسا تلمود از اواخر قرن ۱۸ تا اواسط قرن ۲۰ است که در ۱۹۴۸ اسرائیل اعلام موجودیت می‌کند. تا پیش از آن یهود به صورت گتوئی در کشورهای اروپایی تشکیل اجتماع می‌داد. از قرن ۱۸ که بحث تساوی بشر بدون توجه به نژاد و مذهب مطرح شد، یهودیان آزادی نسبی پیدا کردند البته مطابق قوانین تورات یهودی که در یک کشور غیر یهودی زندگی می‌کند نمی‌تواند به محاکم آنجا تظلم خواهی کند و این با تساوی افراد بر اساس یک قانون واحد تعارض دارد. لذا این تئوری مطرح شد که یهودیان می‌توانند با شهروندان دیگر جوامع تعامل کنند و لازمه تساوی افراد بشر این بود که همه شهروندان دعوی خود را بر اساس قانون واحدی در دادگاه رسمی کشوری که در آن زندگی میکنند مطرح کنند. و به این سان استقلال قضایی یهود لغو شد و به تدریج پابندی به قوانین یهود نیز تضعیف شد و این علمای یهودی را نگران کرده بود تا جاییکه برخی فقهای یهودی نادیده گرفتن بحث صلاحیت قضایی یهودی را از عدم رعایت قوانین تورات قبیح تر می‌شمردند. با این وجود در بیشتر جوامع صلاحیت مراجع یهودی فقط در بحث احوال شخصیه باقی ماند. بعد از ظهور تز صهیونیسم بحث بازگشت به حقوق اصلی یهودی مطرح شد و از آن زمان تاکنون چالش بین حقوق شرعی و قواعد عرفی یکی از مناقشات دولت اسرائیل است.

## مبحث چهارم - تاریخ حقوق کیفری ایران باستان

ایران به لحاظ نظام حقوقی سه مرحله را تاکنون طی نموده: ۱- پیش از اسلام ۲- دوران اسلام ۳- دوران معاصر.

بر این مبنا تشکیلات قضایی ایران را می‌توان به ۵ دوره تقسیم کرد:

۱- دوره هخامنشی تا دوره ساسانی

۲- دوره ساسانی تا شکست یزدگرد سوم و ورود اعراب به ایران

۳- از زمان ورود اسلام به ایران تا قاجار

۴- از قاجار تا انقلاب مشروطه

۵- از مشروطه تا انقلاب ۱۳۵۷

ایران باستان یک گستره چندین هزار ساله به لحاظ زمانی دارد که اکثر مدارک آن زمان در حمله اسکندر، اعراب و مغول ها از بین رفته است. ایران پیش از اسلام را می توان به ۴ دوره تقسیم کرد:

۱- پیشدادیان ۲- هخامنشان ۳- اشکانیان ۴- ساسانیان.

**۱- پیشدادیان:** پادشاهان این دوره را پادشاهان داستانی می گویند. چرا که سند و مدرکی از این دوران وجود ندارد و برای شناسایی نام ها باید به شاهنامه فردوسی مراجعه کرد. وجه تسمیه این دوره با نام هایی مثل هوشنگ و بهرام و کیکاووس عجین است. هر جا نام اینها برده شد واژه پردات که پر یعنی پیش. دات یعنی داد، یعنی پیشداد یا نخستین قانونگذار. در این دوره مجموعه قوانینی که با باور های دینی و الهی گره خورده مشاهده می شود.

از جمله قانون اشنونا و حمورابی و بعد از فتح بابل به دست ایرانیان منشور حقوق بشر کوروش از آن جمله است. به طوری که اسرائیلی ها از کوروش به عنوان فرستاده خدا یاد کرده اند، ۵۳۹ قبل از میلاد مسیح، در تورات نام کوروش برده شده و از کوروش به عنوان یک نجات بخش الهی یاد شده که یهود را از دست بخت النصر نجات می دهد. کوروش بعد از فتح بابل معبد سلیمان را می سازد و نام آن را هیکل اورشلیم می نامد و شهر یهودیه را بنا می کند. ساخت هیکل اورشلیم تا اواسط سلطنت داریوش به طول می انجامد.

**۲- هخامنشیان:** دوره هخامنشی یک نظام حقوقی مترقی را به خود دیده است. در این دوره قوه قضاییه در اختیار شاه بود. کوروش علاوه بر مقام سلطنت یک مقام روحانی نیز به خود داده بود و آن را موهبتی میدانست که کمتر نصیب اهل سیاست می شود. او سلطنت را ودیعه الهی خود می دانست پس اراده شاه موجب وضع قوانین و مقررات می شد.

البته به روایت تاریخ کوروش از این قدرت بی منتها برای خیر و صلاح مردم و امنیت مملکت استفاده می کرد. در زمان کوروش دیوان عالی کشور وجود داشت که یک قاضی منتخب از سوی شاه آن را مدیریت می کردند. یکی از نکات جالب در سیستم قضایی آن زمان تعیین زمان معین برای فرایند رسیدگی به پرونده ها بود. در جرایم قابل گذشت پیشنهاد ارجاع به



داور از سوی قاضی مطرح می‌شد. سیستم رسیدگی در آن زمان اتهامی است یعنی با نظام کامن لا قرابت بیشتری دارد چون رویه قضایی زیاد بود و افرادی بودند به نام سخن‌گویان قانون که مردم با آنها مشورت می‌کردند. به علاوه ارجاع به میانجی و داور جزء تدابیر و راهکارهای حقوقی بوده است. سیستم رسیدگی مبتنی بر تعدد قضات (سه قاضی) بوده و یک شورای ۷ نفره از قضات شاهی مادام‌العمر از طرف کوروش حکم گرفته بودند. در قلمرو حقوق عمومی اعلامیه حقوق بشر کوروش نگاشته شده است، در حقوق خصوصی مقرر شد هر قوم و ملتی در احوال شخصیه به کیش خود رفتار خواهد نمود. دادگاه شاهی که معادل دیوان عالی کشور بود برای رفع تعارض قوانین و احکام ایجاد شد و درخواست‌های فرجام به آنجا داده می‌شد. یکی از نکات جالب در این دوره دادگاه اختصاصی ویژه نظامیان است. همچنین دادگاه کیفری می‌توانسته به دادخواست ضرر و زیان ناشی از جرم نیز رسیدگی کند.

در این دوره دو اصل وفاداری و استقلال در آراء محاکم دوره هخامنشی دیده می‌شود. اگر قضات رشوه می‌گرفتند و حکم ناحق می‌دادند مجازات‌های شدیدی در نظر می‌گرفتند. در کتاب تاریخ حقوق ایران باستان آمده که کمبوجیه پسر ارشد کوروش که استاندار بابل بود پوست یک قاضی رشوه‌بگیر را کنده، پوست او را بر کرسی قضاوت کشیده و پسر قاضی را به جای پدر بر مسند قضاوت نشاند و از او خواسته تا به تقاضای اعاده دادرسی ذینفع رسیدگی کند. در اعلامیه داریوش آمده که او حتی برنامه جهانی برای برپایی عدالت داشته است.

**۳ - اشکانیان:** با پیروزی اسکندر بر داریوش سوم و تصرف ایران به مدت هفت سال بر ایران حکومت میکند. بعد از فوت اسکندر در ۳۲۳ پیش از میلاد مسیح ارشک اول با شکست سلوکیان حکومت پارتیان (اشکانیان) را در ۲۴۷ پیش از میلاد مسیح تاسیس کرد و ۴۶۰ سال بر ایران حکومت کردند. در این دوره آزادی مذهب در امور دینی مشاهده می‌شود. به علاوه یک مدل ابتدایی قانون اساسی نوشته شد که وظایف و اختیارات شاه را مشخص کرده بود. شاه با شیوخ قبایل در تصمیمات قضایی مشورت می‌کرده است. این دوره مصادف با ظهور عیسی مسیح (ع) در فلسطین است. از دوره اشکانی اطلاعات کافی و دقیقی به لحاظ حقوقی بجا نمانده است، به طوری که در کتابهای تاریخ آمده طوایف پارتی برای دوران معاصر رازگونه باقی مانده‌اند. با این وجود مهرداد اول که در برخی کتب تیرداد اول هم ذکر شده یک قانون اساسی را نوشته که اختیارات شاه را محدود می‌کرده است. در این دوره سه مجلس وجود داشته: مجلس اول شورای سلطنتی بوده که اعضای ذکور بالای ۱۸ سال خانواده سلطنتی بودند. مجلس دوم مجلس سنا است که اعضای آن، روحانیون قوم پارت بودند. مجلس

سوم مجلس مهستان است که شاه را انتخاب می کرده و ترکیبی از دو مجلس اخیر بودند. در این دوره مسئولیت کیفری جمعی بوده، یعنی خانواده یک کالبد حقوقی واحد داشته، پس در قتل عمد جنبه عمومی مطرح نبوده چون نگاه این بود که به حقوق خصوصی لطمه وارد شده است. از لحاظ حقوق خانوادگی زنی که شوهر می کرد جزء خانواده شوهر محسوب می شد. جرایم جنسی مجازات های شدیدی داشته است. یک نکته جالب اینکه در این دوره جرایم زیست محیطی وجود دارد. یعنی اگر کسی نسبت به طبیعت عمل شنیعی انجام می داد یا بایستی خودکشی می کرد یا به لحاظ اجتماعی تا آخر عمر از حقوق اجتماعی محروم می شد.

**۴ - ساسانیان:** اردشیر اول ساسانی حکومت اشکانیان را منقرض کرد و دولت ساسانیان را تاسیس کرد. (۲۲۴ تا ۶۵۱ میلادی) دوره ساسانی از نظر تاریخ حقوق از دوران پر افتخار ایرانی است. مهمترین ویژگی این دوره دینداری آیین زرتشت و تعامل صاحبان زر و زور با موبدان زرتشتی وابسته به دربار است. جامعه ساسانی به گونه طبقاتی اداره می شد. جامعه به چهار طبقه موبدان - جنگاوران - دبیران و پیشه وران تقسیم می شد. بحث قضا در اختیار پیشوایان دینی است با توجه به اینکه دین رسمی کشور آیین زرتشت اعلام شده است و پیروی اکثریت ایرانیان از آن یک وحدت قضایی نیز در کشور پدید آمد. در توجیه این ادعا باید گفت آیین زرتشت دستوراتی در امور کیفری مدنی - ادله اثبات - شاه و رعیت - امور نکاح و طلاق - ارث، قوانینی داشته به همین جهت سیستم رسیدگی به سمت نظام حقوقی نوشته تمایل نشان می داد. یکی از نکات جالب این دوره این است که فقیرترین فرد جامعه می توانست دادخواهی خود را نزد شاه ببرد و شاه به عنوان قائم مقام شاکی شکایت را نزد قاضی مطرح می کرد. اگر رأی علیه شاه صادر می شد خسارت زیان دیده را باید خودش جبران می کرد. .

دوره ساسانی همزمان است با همراه شدن حکومت با روحانیون زرتشت یعنی ایجاد دوستی میان ملک و دین، اصحاب و متولیان دینی جنبه قدسی پیدا کرده بودند و به برکت حمایت دولتمردان ساسانی در همه شئون زندگی مردم دخالت می کردند. منبع نظام حقوقی ساسانیان اوستا، تفاسیر اوستا و مجموعه فتاوی علمای زرتشتی است. روحانیون در این دوره قدرت بلامنازع محسوب می شدند و در تمام مسائل حقوقی و غیرحقوقی مردم دخالت می کردند. هیچ امری در این دوره وجهه شرعی نداشت مگر اینکه یک روحانی آن را تصدیق می کرد. مثلاً ازدواج - طلاق - حلال زادگی - تصدیق تملک - داوری و قضاوت در این دوره توسط روحانیون انجام می شد. یکی از منابع با ارزش حقوقی این دوره ماتیکان (مادگان) هزاردادستان یا کتاب هزار رأی قضایی است که میگویند فرخ پسر بهرام که قاضی زمان خسروپرویز بوده نویسنده آن است

و به خط پهلوی نوشته شده است. تاریخ نگارش آن ۶۱۶ میلادی است یعنی حدود ۲۳۸۰ سال بعد از قانون حمورابی. بیشتر مطالب آن حقوق مدنی و آراء قضایی محاکم و نظریات حقوق دانان ساسانی در دوره های مختلف است. از این رو مادگان هزار دادستان یعنی ماده‌ها یا کوتاه‌نوشت‌هایی از هزار رای و نظر قضایی ثبت‌شده در دوره ساسانی. در مقدمه این کتاب آمده که اعوجاج مقرون به عدل بهتر است از استقامت مقرون به ظلم. در این دوره ساسانی ۲ دادگاه دیده می‌شود. دادگاه‌های شرع و عرف. قضات دادگاه‌های شرع روحانیون زرتشتی هستند. دادگاه‌های عرفی قضات غیر روحانی اما بایستی سواد حقوقی داشته باشند که به آنها دادور میگفتند. در این دوره همچنین یک مرجع اختصاصی و یک مرجع شبه قضایی دیده می‌شد.

مرجع اختصاصی: دادگاه ارتش و مرجع شبه قضایی دادگاه عشایر است. نظام قضایی این دوره آفت‌هایی را به خود دیده است. از جمله زد و بندهای قضات روحانی با دولتمردان تا افتراهای مذهبی برای توجیه پیگرد مخالفان و منتقدین حکومت. حقوق کیفری این دوره سه نوع جرم را پیش بینی کردند:

۱- جرایم دینی مثل ارتداد ۲- جرایم امنیتی مثل خیانت به شاه ۳- جرایم عمومی.

در دوره ساسانی دادگاه‌ها به دو دسته تقسیم می‌شدند:

۱- دادگاه‌های شرع که به شکایت راجع به معابد - جرایم مذهبی و آنچه که در شریعت زرتشت جرم انگاری شده بود رسیدگی می‌کردند.

۲- دادگاه‌های عرفی که به دعاوی حقوقی، تجارتي و غیر شرعی رسیدگی می‌کردند.

بعد از قتل خسرو پرویز به دست شیرویه (پسرش) دولت ساسانی رو به ضعف گذاشت و سرانجام یزدگرد سوم در ۱۱ هجری در زمان فرار به دست یک آسیابان در مرو به قتل رسید و سپاه اعراب مسلمان بر ایران مسلط شد.

## مبحث پنجم - تاریخ حقوق کیفری در اروپا

### گفتار اول: ادوار حقوق کیفری اروپا

تاریخ حقوق کیفری در اروپا به سه دوره تقسیم می‌شود:

دوره اول - از پایان امپراطوری روم یعنی ۴۷۶ بعد از میلاد مسیح تا آخر قرن ۱۴ میلادی است.

دوره دوم - از قرون وسطی یعنی اواخر قرن ۱۴ تا اوایل قرن ۱۸ میلادی

و دوره سوم- از اواخر قرن ۱۸ تا زمان حاضر را شامل می شود.

منظور از قرون وسطی زمانی است که پدیده‌ی فئودالیت و حکومت‌های ملوک‌الطوایفی قدرت می‌گیرند و کلیسا حاکمیت پیدا می‌کند. در واقع تسلط قدرت دولت به نفع فئودال‌ها کم و بیش کاهش پیدا کرده بود و عرف‌های محلی جایگزین قوانین مرکزی شده بود. بعد از پایان قرون وسطی حقوق رومی که شاکله‌ی آن همان الواح دوازده‌گانه که چکیده‌ای از قوانین بازمانده‌ی روم باستان می‌باشد و چون آنرا بر دوازده لوح مفرغی نگاشته بودند بدین اسم نامیده شد توسط امپراطور رم شرقی ژوستینین تدوین و تنقیح شد. به این سان نظام حقوقی رومی شامل یک سلسله تحولات حقوقی است که مدتی بیش از یک هزار سال را در بر می‌گیرد. این دوره از ۴۳۹ قبل از میلاد و با الواح دوازده‌گانه آغاز شده و تا تدوین مجموعه قوانین ژوستینین در ۵۲۹ بعد از میلاد به طول انجامید. از این رو شهرت ژوستینین به آن جهت است که اولین قوانین مدون را در تاریخ اروپا تدوین نمود و جایگزین عرف‌های قرون وسطایی کرد. در قرن شانزدهم که سخت‌گیرترین قرن اروپا محسوب می‌شود به لحاظ مقررات کیفری محسوب می‌شود قوانینی موسوم به کارولین و فردیناند به نوشته تحریر درآمد که برگرفته از آداب و رسوم ملی و آموزه‌های نظریه پردازان ایتالیایی است که خود این آموزه‌ها نیز از حقوق رومی سرچشمه گفته است. غالب قوانین در این زمان بی‌رحمانه و مجازات‌ها غالباً بدنی و خشن است. دادگستری خصوصی همچنان با نظام سزادهی عمومی رقابت می‌کند.

از نظر حقوق جزای اختصاصی و سیاهه جرایم، سحر و جادوگری در قرون وسطی مجازات‌ش سوزاندن در آتش بوده، خودکشی در قرون وسطی جرم انگاری شده و مجازات آن صلب بوده است. رؤیت اخلاقیات در قرون وسطی به عنوان یکی از ارکان زندگی یک فرد مسیحی تلقی می‌شده از این رو روابط جنسی خارج از ازدواج نامشروع محسوب می‌شده است. با این وجود زنا و دو همسری مجازات‌ش جزای نقدی بوده است. از اواخر قرون وسطی تا قرن ۱۶ مجازات‌ها ملایم‌تر می‌شود. با وجود این، جرایمی که علیه ذات طبیعی انسان محسوب می‌شد مثل همجنس‌گرایی یا آمیزش جنسی با حیوانات مجازات‌ش زنده به گور کردن بوده است. از نظر رتبه بندی و درجه اهمیت، بعد از جرایم علیه نظم و عفت عمومی، جرایم علیه اشخاص و اموال قرار دارد که مهمترین آنها قتل عمدی است البته قتل همراه با سبق تصمیم و بدون سبق تصمیم در اعمال کیفر متفاوت بوده است. به تدریج دادگستری خصوصی از قرن ۱۴ به بعد به سمت دادگستری عمومی تمایل نشان می‌دهد و جرایم قابل گذشت فهرستشان بیشتر می‌شود، قدرت قضات در تبدیل یا تشدید کیفر افزایش پیدا می‌کند، قطع

بی‌حد و اندازه اعضای بدن به خاطر جرایم خُرد مثل سرقت تعزیری ساده متوقف می‌شود. داغ گذاشتن بر روی سارق به تدریج رو به افول می‌گذارد. مجازات‌های تهریبی و تزدیلی رو به افزایش می‌گذارد. مثلاً: زن بزهکار را در انگلستان بر روی گاری‌های کودکش می‌گذاشتند و در محل جرم می‌گرداندند. شلاق در ملاء عام به عنوان یک مجازات تحقیرآمیز در انگلستان و فرانسه استفاده می‌شد. در قرن ۱۵ مجازات‌های مالی جایگاه مهمی را در پهنه عدالت کیفری اروپا ایفا کرد. قرن ۱۶ و ۱۷ مصادف است با افزایش قدرت شاه و سازوکارهای سرکوب‌گرایانه‌ی شاهانه، عصری که به آن عصر لویی‌ها گفته می‌شود. با این وجود در این دوره هر چند خودکامگی بیشتر شده اما به دلیل تحولات اقتصادی بی‌نظمی‌های اجتماعی نیز بیشتر شده، نظیر ولگردی و تکدی، به علاوه خشونت در اروپا به علت دو قطبی شدن جامعه بیشتر شده و پاسخ آن با سرکوب حکومت همراه شده است. حقوق کیفری قرون وسطی در قرن ۱۸ به تدریج سست و متزلزل شد و جنبش روشنگری، بشر محوری را عالی‌ترین ارزش معرفی می‌نماید و حقوق کیفری دوره قرون وسطی را مورد انتقاد قرار داد. به تدریج بحث قطعیت و حتمیت مجازات‌ها مطرح شد. همچنین عادلانه و انسانی بودن مجازات‌ها و بحث نفع و دفاع اجتماعی به میان آمد. با این سه رکن به تدریج سیاهه جرائم مربوط به اندیشه و تفکر و حریم شخصی کاهش پیدا کرد و بین گناه و جرم تفکیک قائل شد. این دگرگونی با انقلاب ۱۷۸۹ فرانسه و تدوین کد یا قانون ناپلئون تکمیل شد و حقوق کیفری نوین اروپا بنیان نهاده شد و الهام‌بخش تحولات قوانین کیفری و پیدایش مکاتب جدید در حقوق جزا گردید که در درس تاریخ تحولات حقوق کیفری مورد مطالعه قرار می‌گیرد.

### **گفتار دوم : منابع حقوق کیفری در اروپا**

از عرف- قانون و رویه‌ی قضایی به ترتیب به لحاظ نفوذ به عنوان منابع اصلی حقوق کیفری اروپا یاد می‌شود که همان ویژگی‌های سیستم تفتیشی را دارا می‌باشد. شعار این سیستم این بوده که هر قاضی، مدعی‌العموم نیز می‌باشد. پس قاضی نقش دادستان را نیز ایفا می‌کرده است. بعدها با آمدن ناپلئون در ۱۷۸۹ سیستم دادرسی مختلط در فرانسه ایجاد شد.

## منابع:

- عدالت کیفری در آیین یهود (مجموعه مقالات)، حسین سلیمانی، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب، ۱۳۸۴
- تاریخ حقوق کیفری بین النهرین، ترجمه علی حسین نجفی ابرندآبادی و حسین بادامچی، انتشارات سمت، ۱۳۸۳
- تاریخ حقوق کیفری در اروپا، رنه مارتینز، ترجمه محمدرضا گودرزی، انتشارات مجد، ۱۳۸۵
- تاریخ حقوق ایران، سید حسن امین، انتشارات دایره المعارف ایران شناسی، چاپ سوم، ۱۳۹۱